

گروه فلسفه، منطق و کلام

مصطفی زالی

رتبه: برگزیده دوم بخش جوان

تحصیلات: دکتری

عنوان اثر: ضرورت و امکان تبیین امر مطلق در فلسفه هگل

قالب اثر: رساله دکتری



درباره پژوهشگر

مصطفی زالی در سال ۱۳۶۴ در کرج به دنیا آمد. وی مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی کامپیوتر و کارشناسی ارشد خود را در دوره رشته مهندسی کامپیوتر و فلسفه از دانشگاه تهران اخذ کرد. موضوع پایان‌نامه وی در رشته مهندسی کامپیوتر، «کاربرد منطق ریاضی در علوم کامپیوتر» و محور اصلی پایان‌نامه وی در رشته فلسفه، «متافیزیک موجبات در فلسفه تحلیلی معاصر» بود. تحصیلات وی در مقطع دکتری رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران، پس از پایان دوره آموزشی و قبولی در امتحان جامع، بدون دفاع از رساله ناتمام باقی ماند. او در سال ۱۳۹۵ از رساله دکتری خود با عنوان «ضرورت و امکان تبیین امر مطلق در فلسفه هگل» در همان دانشگاه دفاع کرد. «پدیدارشناسی، نفی شکاکیت و ضرورت هستی‌شناسی وحدت‌گرا»، «گذار از شکاکیت و ضرورت تفسیر متافیزیکی از امر مطلق در فلسفه هگل»، «مطلق به مثابه اندیشه خوداندیش: تأملی انتقادی بر تفسیر هگل از فعلیت محض نزد ارسطو»، «معانی دوگانه ضرورت نزد ابن سینا: پاسخ به اشکالی مشهور در قیاس موجبات ارسطو»، «تمایز وجود و ماهیت نزد ابن سینا: ذهنی یا خارجی»، «ترکیب اتحادی ماده و صورت و مسأله اتحاد عاقل و معقول»، «تشبه به اله: بنیاد وحدت حکم غایت‌شناختی نزد ارسطو» و «عدالت به مثابه انصاف و آزادی وسیع اقتصادی: تأملی انتقادی در امکان آشتی دو سنت لیبرالیسم کلاسیک و والا» از زمره مقالات منتشر شده وی است. مصطفی زالی در حال حاضر عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران است. زمینه اصلی مطالعات وی متافیزیک (با تمرکز بر ابن سینا، ارسطو و هگل) و فلسفه سیاسی (با تمرکز بر نظریه عدالت) است.

چکیده اثر

این رساله بر آن است تا نشان دهد چگونه حل مسأله شکاف میان هستی و معرفت به امر مطلق گره می‌خورد. نخستین گام برای درک این نسبت، داوری درباره دو جریان تفسیری متافیزیکی و غیرمتافیزیکی است. سویه متافیزیکی، اشارات هگل به مفاهیمی چون ایده مطلق و سوژه همچون جوهر را کوششی برای تبیین مفهوم بنیادی فراگیر می‌داند که با اندیشیدن به خویش جهان را تقویم می‌کند. در مقابل، جریان غیرمتافیزیکی اشارات هگل به این مفاهیم را به معنای خودانگیختگی تام سوژه منتهای برای صورت‌بندی مفهومی عالم می‌داند. این رساله در بخش نخست خود، با تکیه بر روایت هگل از مسئله محوری فلسفه عصر جدید، نشان می‌دهد نوع دریافت هگل از سرشت سیستماتیک معرفت و تعیین یافتن امر منتهای ذیل نامتناهی به دریافت متافیزیکی از امر مطلق می‌انجامد و به‌طور خاص استدلال کتاب پدیدارشناسی در دفاع از تعیین متافیزیکی امر مطلق بازسازی می‌شود.

بخش دوم رساله، به بررسی این مسئله می‌پردازد که هگل چگونه در علم منطق می‌کوشد تا با تکیه بر نفی اصل امتناع تناقض، صورت‌بندی جدیدی از یک نظام مفهومی ارائه دهد که دچار محدودیت‌های پیشین در شناخت امر مطلق نباشد. ادامه بخش دوم به تحقق هستی‌شناختی امر مطلق در دل طبیعت و روح منتهای پرداخته و نشان می‌دهد که امر مطلق از پیش فعلیت نداشته و با اندیشیدن فعلیت یافته، و متعلقات اندیشه، یعنی جهان را تقویم می‌کند و به این شیوه مطلق همچون عقل در تضایف با معقول خویش، آن را تقویم کرده و خود نیز تقویم می‌شود. از این رو مطلق همچون اندیشه خوداندیش ارسطویی، در مقام عقل در تحقق معقول خویش، به امری غیر از خود وابسته نیست.

